

دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده تخصصی آزاد و نیمه حضوری

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

**بیان در دیوان یغمای جندقی**

نگارش:

**یحیی عسگری**

استاد راهنما:

**دکتر اسماعیل تاج بخش**

استاد مشاور

**دکتر یحیی طالبیان**

تابستان ۱۳۹۰

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: طرح و کلیات.....
۵.....	فصل دوم: زندگینامه.....
۱۱.....	فصل سوم: تعریف شعر و علم بیان.....
۱۲.....	۳-۱- شعر.....
۱۳.....	۳-۲- بیان.....
۱۷-۱۵۹.....	فصل چهارم: مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، سمبل، اسطوره و اغراق.....
۱۸-۲۸.....	۴-۱- مجاز.....
۲۲.....	۴-۱-۱- علاقه کل و جزء.....
۲۳.....	۴-۱-۲- علاقه حال و محل.....
۲۵.....	۴-۱-۳- علاقه لازم و ملزومیت.....
۲۵.....	۴-۱-۴- علاقه عموم و خصوص.....
۲۶.....	۴-۱-۵- علاقه ماکان و مایکون.....
۲۹-۱۱۳.....	۴-۲- تشبیه.....
۳۱.....	۴-۲-۱- تشبیه به اعتبار ارکان.....
۳۱.....	۴-۲-۱-۱- تشبیه مفصل.....
۴۰.....	۴-۲-۱-۲- تشبیه مجمل.....
۴۶.....	۴-۲-۱-۳- تشبیه مؤکد.....
۴۹.....	۴-۲-۱-۴- تشبیه مرسل.....
۵۰.....	۴-۲-۱-۵- تشبیه بلیغ.....
۵۸.....	۴-۲-۲- تشبیه به صورت اضافه.....
۵۸.....	۴-۲-۲-۱- اضافه تشبیهی.....
۶۵.....	۴-۲-۲-۲- اضافه سمبلیک.....
۶۶.....	۴-۲-۲-۳- اضافه تلمیحی.....

- ۶۹.....۳-۲-۴- تشبیه به اعتبار طرفین.....
- ۷۰.....۱-۳-۲-۴- هر دو طرف حسی.....
- ۷۴.....۲-۳-۲-۴- مشبه عقلی ، مشبه به حسی.....
- ۷۶.....۳-۳-۲-۴- مشبه حسی ، مشبه به عقلی.....
- ۷۸.....۴-۳-۲-۴- هر دو طرف عقلی.....
- ۸۰.....۴-۲-۴- تشبیه به اعتبار مفرد و مقید و مرکب بودن.....
- ۸۱.....۱-۴-۲-۴- مفرد به مفرد.....
- ۸۳.....۲-۴-۲-۴- مفرد به مقید.....
- ۸۴.....۳-۴-۲-۴- مفرد به مرکب.....
- ۸۵.....۴-۴-۲-۴- مقید به مفرد.....
- ۸۷.....۵-۴-۲-۴- مقید به مقید.....
- ۸۹.....۶-۴-۲-۴- مقید به مرکب.....
- ۸۹.....۷-۴-۲-۴- مرکب به مرکب.....
- ۹۱.....۵-۲-۴- انواع تشبیه به لحاظ شکل.....
- ۹۳.....۱-۵-۲-۴- تشبیه ملفوف.....
- ۹۵.....۲-۵-۲-۴- تشبیه مفروق.....
- ۹۷.....۳-۵-۲-۴- تشبیه تمثیل.....
- ۹۹.....۴-۵-۲-۴- تشبیه تسویه.....
- ۹۹.....۵-۵-۲-۴- تشبیه جمع.....
- ۱۰۱.....۶-۵-۲-۴- تشبیه معکوس.....
- ۱۰۲.....۷-۵-۲-۴- تشبیه مضمَر.....
- ۱۰۵.....۸-۵-۲-۴- تشبیه مشروط.....
- ۱۰۶.....۹-۵-۲-۴- تشبیه تفضیل.....

۱۰۸.....	۴-۲-۶- زاویۀ تشبیه .....
۱۰۸.....	۴-۲-۶-۱- تشبیه مبتدل .....
۱۰۹.....	۴-۲-۶-۲- تشبیه غریب.....
۱۱۰.....	۴-۲-۷- تشبیه خیالی و وهمی .....
۱۱۰.....	۴-۲-۸- تشبیه تلمیح.....
۱۱۴-۱۳۴.....	۴-۳- استعاره.....
۱۱۶.....	۴-۳-۱- استعاره مصرحۀ مجردة .....
۱۱۹.....	۴-۳-۲- استعاره مصرحۀ مرشحه.....
۱۲۰.....	۴-۳-۳- استعاره مصرحۀ مطلقه.....
۱۲۳.....	۴-۳-۴- استعاره بالکنایه.....
۱۲۵.....	۴-۳-۵- تشخیص .....
۱۲۹.....	۴-۳-۶- اضافه استعاری .....
۱۳۱.....	۴-۳-۷- استعاره تبعیه .....
۱۳۳.....	۴-۳-۸- استعاره قیاسیه .....
۱۳۵-۱۴۹.....	۴-۴- کنایه.....
۱۳۷.....	۴-۴-۱- انواع کنایه به لحاظ مکنی عنه.....
۱۳۷.....	۴-۴-۱-۱- کنایه از موصوف .....
۱۳۸.....	۴-۴-۱-۲- کنایه از صفت .....
۱۴۱.....	۴-۴-۱-۳- کنایه از فعل .....
۱۴۵.....	۴-۴-۲- انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفاء.....
۱۴۵.....	۴-۴-۱-۲- کنایه ایما.....
۱۵۰.....	۴-۵- اسطوره .....
۱۵۶.....	۴-۶- سمبل .....
۱۵۹.....	۴-۷- اغراق.....
۱۶۰.....	فصل پنجم : درونمایۀ اشعار یغما .....
۱۶۴.....	فصل ششم : نتیجه گیری .....
۱۶۶.....	فهرست منابع و مأخذ .....

## فهرست نمودارها

- ۱-۴- نمودار مجاز ..... ۲۷
- ۲-۴- نمودار تشبیه به اعتبار ارکان ..... ۵۷
- ۳-۴- نمودار تشبیه به لحاظ اضافه بودن ..... ۶۸
- ۴-۴- نمودار تشبیه به لحاظ شکل ..... ۱۰۷
- ۵-۴- نمودار استعاره مصرحه ..... ۱۲۲
- ۶-۴- نمودار استعاره مکنیه ..... ۱۲۸
- ۷-۴- نمودار کنایه به لحاظ مکنی عنه ..... ۱۴۳
- ۸-۴- نمودار کنایه به لحاظ وضوح و خفاء ..... ۱۴۹
- ۹-۴- نمودار کلی فن بیان در دیوان یغما ..... ۱۶۵

فصل اول

# طرح و کلیات تحقیق

## مقدمه

پایان نامه پیش رو به بررسی یکی از جنبه های زیباشناسی سخن، یعنی بیان در دیوان یغمای جندقی می پردازد. تاکنون دیوان یغمای جندقی از این حیث مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا این تحقیق پیشینه ای ندارد.

این تحقیق به روش کتابخانه ای و با شیوه ی فیش برداری و از نوع توصیفی-تحلیلی است که در آن به بررسی تک تک ابیات دیوان از لحاظ فن بیان پرداخته شده و اهتمام بر آن بوده حتی الامکان تمام موارد مربوط به بیان از دیوان استخراج و به صورت طبقه بندی شده ارائه گردد. برای بررسی اشعار یغما از حیث بیان، ابتدا باید تعریفی از علم بیان، محدوده این بخش از جنبه زیباشناسی سخن و معیارهای مربوط به آن را مشخص نمود و سپس در قالب یک شکل منسجم، به بررسی اشعار یغما پرداخت؛ اما آنچه ما را در این مرحله از تحقیق گاهی دچار سردرگمی می نمود، گستردگی منابع و بعضاً وجود تفاوتی در بیان مطلب در یک موضوع خاص از سوی استادان متقدم و متأخر این علم بود. به عنوان نمونه: شمیسا می گوید «قدما فرقی ما بین مجاز و کنایه نمی گذاشتند». همایی می نویسد «اصطلاح کنایه در مقابل مجاز از مستحدثات است و قدما لفظ کنایه را اعم از مجاز و کنایه مصطلح می آورده اند» (شمیسا، بیان، ۱۳۸۷، ۲۸۶). و یا «جرجانی عقیده دارد که استعاره در معنی است نه لفظ» (همان: ۱۸۹) و یا «قدما به نوع دیگری از استعاره قائل بودند که هر چند از ابزار تصویرگری است اما اطلاق نام استعاره بر آن صحیح نیست» (همان: ۱۷۴) و یا «تشبیه بلیغ به معنی که ما نوشتیم اصطلاح جدید است اما صاحب مطول در حذف و ذکر ادات فقط دو قسمت موکد و مرسل می گوید... و بلیغ موردی نخواهد داشت» (همایی، معانی و بیان، ۱۶۰، ۱۳۷۰) و یا «قدما مجاز به مانندی را استعاره مصرحه نامیده استعاره را ناچاراً مکنیه نام داده و همان را نیز به دو نوع تحقیقیه و تخیلیه منحصر کرده اند (ثروتیان: ۶۹، ۸۵) و یا «از قدیم بین محققان اختلاف بود که این مورد «تشبیه بلیغ» تشبیه است یا استعاره» (شمیسا، بیان، ۱۳۸۷: ۷۰)

به هر روی با توجه به گستردگی منابع و از آنجا که مقصود ما در این تحقیق، نگارش کتابی در خصوص فن بیان نبوده و فقط به بررسی جنبه های بیانی دیوان یغما پرداخته ایم، صواب کار را در آن دیدیم که از کتاب بیان شمیسا به عنوان منبع اصلی برای این کار استفاده نماییم و در مواردی برای روشن تر شدن مفهوم، از کتاب های دیگری چون اسرار البلاغه جرجانی،

بیان در شعر فارسی ثروتیان، معانی و بیان همایی، فنون بلاغت و صناعات ادبی همایی، گوهرکده فنون و صنایع ادبی محبعلی قنبري، فنون ادبی کامل احمد نژاد، بیان کزازی، معانی و بیان تجلیل و کتاب در معرفت شعر گزیده المعجم فی معابیر اشعار العجم شیمسا نیز استفاده شده است.

در نهایت این پایان نامه در ۶ فصل تنظیم گردیده و در آن به جمع بندی مطالب به شرح ذیل پرداخته شده است.

۱- مقدمه ۲- زندگی یغما ۳- تعریف بیان و محدوده این علم ۴- بررسی انواع جنبه های بیانی در دیوان یغما ۵- درونمایه ی اشعار یغمای جندقی ۶- نتیجه گیری

### بیان مسئله

در میان شعرای عصر قاجار، یغمای جندقی از جمله شاعرانی است که با رویکرد مهم مردم شناختی حرف زده است و همین امر باعث شده بلاغت شعر او که به عنوان یکی از عمده ترین مباحث در ادبیات فارسی است و نقش والایی در تعریف ذهن و زبان شاعر دارد، در درجه دوم اولویت کارهای پژوهشی باشد. همین امر ما را بر آن داشت بحث بلاغی بیان را در دیوان شعر او بررسی کنیم، که بی تردید نقش برجسته ای در ترسیم چهره جدیدی از او دارد. همچنین کوشیدیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم

۱. آیا یغمای جندقی به زیبا شناسی شعر نیز توجه داشته است؟

۲. کدام شاخصه علم بیان در شعر یغما بسامد بیشتری دارد؟

۳. آیا بررسی شعر یغما از دیدگاه علم بیان، می تواند به روشن شدن چهره شاعر در بین ادبای ایران کمک کند؟

۴. آیا با توجه به بررسی بلاغی شعر یغمای جندقی، می توان دلایل جامعه محوری او را

### یافت؟ اهداف تحقیق

- در این رساله، نقش علم بیان در برقراری ارتباط شاعر با مخاطب روشن خواهد شد.

- در این رساله شاخصه های عمده علم بیان در دیوان اشعار یغما مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

- با استخراج مواد مربوط به آرایه های تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه با توجه به بسامد و نمود آنها، شعر یغما مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت و یافته های تحلیلی نویی عرضه خواهد شد.

### فرضیه ها:



- یغما در عین حال که شاعر مردمی است به جنبه های لفظی شعر نیز توجه دارد.
- او با استفاده از زبان غیر مستقیم که از جمله مشخصه های ادبیات است، به توصیف جامعه و انتقاد از ناهنجاری های اجتماعی پرداخته است.
- علم بیان در شعر یغما به شکل طبیعی به کار رفته است.

# زندگینامه ی یغمای

جندقی

### زندگینامه ی یغمای جندقی

«میرزا رحیم یغما، پسر حاجی ابراهیم قلی به سال ۱۱۹۶ هـ ق در یک ولایت بسیار فقیر و کم جمعیت ایران، دهکده خور بیابانک از توابع جندق به دنیا آمد روزگار کودکی وی با رنج و سختی فراوان گذشت. در شش هفت سالگی کار می کرد و در بیرون ده شتر می چراند تا معاش خانواده خود را تأمین کند» (آرین پور ۱۰۹). «هفت ساله بود و در خارج مشغول شتر چرانی، که حکمران دیکتاتور جندق «امیر اسماعیل خان عرب عامری» با خدم و حشم از آنجا عبور می کرد ... یغما با احترام بر او تعظیم نمود و امیر تعجب کرد و پرسید: پسر کجایی هستی؟ جواب داد:

ما مرد مک خوریم از عقل و ادب دوریم» (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۸۲: ۴۶۵)

در تقریر بیت فوق اختلافاتی در بعضی از کتب وجود دارد. از جمله اینکه در کتاب دیوان اشعار یغمای جندقی به کوشش آل داود و سخنوران نامی معاصر ایران نوشته سید محمد باقر برقعی به صورت زیر آمده است:

ما مردمک خوریم از علم و ادب دوریم.

«امیر عامری خوشش آمد و بعد که به خور وارد شد پدر رحیم یعنی حاج ابراهیم قلی را احضار نمود و از او خواست که رحیم را برای تربیت به او بسپارد ... رحیم در دستگاه خان به سرعت از معلمین زیادی که برایش فراهم شده بود علوم مقدماتی آن زمان را فرا گرفت.

نیز گفته اند که در زمان کودکی معلم وی میرزا لطفعلی خان محترم شوهر خواهرش بود.

محترم خود شخصی با ذوق و شاعری استاد بود» (آل داود، ۱۳۸۴: ۲۴)

«در فلاشی فرید بوده و در عیاشی وحید. ولی بیشتر عیشش در منزل احباب بود و در منزل خود کمتر می آسود. بلکه با اینکه در اقران خود و شعرای زمان روزگارش بیشتر اقبال نمود و صاحب ملک و مال بسیار شده باز همیشه لباسش چرکین و صورت و وضعش نادلنشین بود و به همان جمع ملک و مال از حظ دنیوی قناعت می نمود و فقیر چند مجلس صورتاً دیدمش و به صحبت نرسید اما می شنویم که بسیار خوش صحبت است. خلاصه در قواعد و رسوم شاعری

و وضع و وزن انواع شعر خیلی باخبر و از لغات قدیمه و غیر مصطلحه فرس بی نهایت مستحضر. چنانکه وسایل و مکاتیب چند که ملتزماً به فارسی باستانی نوشته و هیچ کلمه خارج از آن زبان در آن نیاورده و در دیوانش مسطور است.» (دیوان بیگی شیرازی: ۲۱۲۱). «یغما شاعری توانا و آزاد اندیش و از قدرت و مهارت کافی در نظم و نثر برخوردار بود. خطی خوش داشت» (برقعی، ۱۳۷۳: ۳۹۷۳)

«به مقتضای طبع مزاح و شیرین خود شعر می سرود ... و پیوسته با بزرگان و شهزادگان محشور و مأنوس بود و در پاکی طینت و نیکی فطرت و مراقب و داد و وفاق کم نظیر و خطش چون بسیار صفاتش دلپذیر بود» (هدایت، ۱۳۵۰: ۱۷۶۷)

«یغما بعد از تحصیل مقدمات در ردیف نوکرهای خاص امیر اسماعیل درآمد و شعر می گفت و مجنون تخلص می کرد ... سرانجام امیر اسماعیل از اردوی دولت شکست خورد و فرار کرد ... یغما هم با بستگانش دچار بدبختی شد ... او در این هنگام نام و تخلص خود را به ابوالحسن یغما تبدیل می کند و شیوه درویشی پیش می گیرد» (بهزادی اندوهجری، ۱۳۸۲: ۴۶۵)

«یغما چندی به تصوف گرایید؛ اما پس از خواندن کتاب ارشاد العوام حاج محمد کریم خان کرمانی به وی ارادت پیدا کرد و در سلك پیروان شیخیه درآمد» (برقعی، ۱۳۷۳: ۳۹۷۳)

«او یکی از قوی ترین طنزپردازان عهد خود بود و در جهت روشن کردن شعور اجتماعی ایرانیان تلاش بسیار کرد ... از اینکه معتقدات ایمانی مردم ساده دل و بی فرهنگ دوران او وسیله کسب درآمد مثتی جاهل عامی شده است بر خود می لرزید و با طنز و تسخر عقده های درون خود را باز می گفت ... در بسیاری از موارد لحن کلامش چنان می نماید که او به فکر کینه کشی و انتقام شخصی است اما چنین نیست او با درایت با عوامل بدبختی زای زمانش «شیخ» و «صوفی» مبارزه می کند و آنان را مظهر ریا و فساد و دین فروشی معرفی می کند ... و پرده از سفاکی و خون آشامی مفتیان بر می گیرد ... او در این شیوه از حافظ تقلید می کند و همچون آن استاد بزرگ غزلیاتش مشحون از اینگونه پرده دریهاست» (بهزادی اندوهجری، ۸۲، ۴۶۶ - ۴۷۰)

«یغما از زبان عربی بیزار بود. و بسیاری از نامه های خود را به پارسی سره نوشته بدین قرار که به جای کلمات رایج عربی لغات فراموش شده فارسی به کار برده است. شاید علت این امر آن باشد که وی تحصیلات عمیق نکرده و با رموز دستور زبان و ادبیات عرب به حد کمال آشنا نبوده است چنانکه خود در یکی از نامه ها به یکی از دوستان گوید «دریغا که عربی ندانم و بی سوادان را فضیلت فروشی بی ادبی است» اما این عدم تبحر در زبان و ادبیات

عرب موجب شده که زبان ملي فارسي را به خوبي فراگيرد وي معتقد است که ايرانيان مي توانند از لغات عربي بي نياز باشند با اينهمه نمي توان گفت که يغما زبان نثري خود را به کلي از لغات عربي پاک کرده بلکه نامه هايي دارد که به زبان ادبي معمول عهد خود و گاهي آميخته با لغات غليظ عربي نوشته و داعيه او بر تصفيه زبان محدود به اين است که در بعضي موارد حتي المقدور کمتر از لغات تازي استفاده کرده است ...

اشعار يغما از حيث مضمون به چهار دسته تقسيم مي شود:

۱. غزليات معمولي نسبتاً شيوا و دلپذير که به سبک قدما سروده و مي رساند که گوينده در هنر شاعري قدرت و استعداد کافي داشته است.

۲. هزليات که از همه آثارش جالبتر و شهرت وي در حقيقت مرهون آنهاست و عبارتند از:

الف : سردار يه

ب : قصابيه و احدا

ج : خلاصه الافتضاح

د : صكوك الدليل

۳. اشعار مملو از يأس و بدبيني که دنباله يا عكس العمل طبيعي همان جوش و خروش روي است» (آرين پور، ۱۱۴: ۱۳۷۲ - ۱۱۶)

۴. مرآئي

«يغما از ميان فرمهاي متداول شعر فارسي در آن زمان يعني قصيده، غزل، رباعي، قطعه، ترجيع بند مستزاد، مثنوي، تنها به قصيده نپرداخته است... و از ميان تمام شکل هاي شعر پارسي توجه بيشتري به غزل، مستزاد، مثنوي، قطعه و رباعي کرده است» (آل داود، ۱۳۸۴: ۵۰)

#### آثار يغما

۱. آثار منثور (منشآت)

۲. ديوان اشعار

۳. آثار مراديه

۴. قاضي نامه

۵. شبويه حجاج کاشي

۶. مجموعه لطايف

چهار اثر آخر هنوز به چاپ نرسيده است

#### خاندان يغما

۱. میرزا اسماعیل هنر

۲. میرزا احمد صفاتی

۳. میرزا ابراهیم دستان

۴. میرزا اسماعیل تراج

۵. محمد حسن کیوان

۶. فتح الله کیوان

۷. میرزا آقا اقبال

۸. اسدالله منتخب السادات» (همان : ۳۷- ۷۲)

«یغما عاقبت در سن هشتاد سالگی به سال ۱۲۷۶ هجری در خور وفات یافت و در بقعه امامزاده داود دفن شد.

مه روزه ای این ابتلاء آمد از دیوان قضا

«طال البلا زال البها تم الرقم جف القلم»

« ۱۲۷۶ هـ»

(همان: ۳۱- ۳۲)

# تعریف شعر و علم بیان

قبل از پرداختن به بحث زیبایی‌شناسی سخن و مقوله بیان، لازم است تعریفی از شعر و چیزی که آن را شعر می‌نامیم، ارائه شود.

### ۳-۱- شعر

«بدان که شعر در اصل لغت، دانش است و ادراک معانی به حدس صایب و استدلال راست. و از روی اصطلاح، سخنی است اندیشیده، مرتب معنوی، موزون، متکرر، متساوی، حروف آخر آن به یکدیگر مانند. و در این حد گفتند سخن مرتب معنوی تا فرق باشد میان شعر و هذیان و کلام نامرتب بی معنی و گفتند موزون تا فرق باشد میان نظم و نثر مرتب معنوی. و گفتند متکرر تا فرق باشد میان بی‌تی دو مصراع و میان نیم بیت، که اقل شعر بی‌تی تمام باشد. و گفتند تساوی تا فرق باشد میان بی‌تی تمام و میان مصاربع مختلف، هر یک بر وزنی دیگر و گفتند حروف آخرین آن به یکدیگر مانند. تا فرق بود میان مقوی و غیر مقوی، که سخن بی قافیت را به شعر نشمرند اگر چه موزون باشد. (شمیسا، در معرفت شعر، ۷۴، ۱۳۳)

"و اما سبب آنکه کلام موزون را شعر خوانند. ابو عبید قاسم بن سلام بغدادی که یکی از ایامه نحو و لغت و تاریخ بوده است می‌گوید:

یَعْرَبُ بَنَ قَحْطَانَ بَنَ عَابِرِ بَنِ شَالِحِ بَنِ أَرْفَخَشْدِ بَنِ سَامِ بَنِ نُوحِ (س) به اسجاع و قراین مشعوف بوده است و چون در اساجیع عرب مصراعات موزون می‌افتاد یعرب به قوت فطنت و ذکاء قریحت، آن را دریافت و میان موزون و ناموزون کلام فرق کرد و ارتجالاً این دو بیت بگفت

مَا الْخَلْقُ إِلَّا لَابٍ وَأُمَّ  
خَدِينٌ جَهْلٍ أَوْ خَدِينٌ عِلْمٍ

مَا بَيْنَ خُلُقٍ زَائِغٍ وَحِلْمٍ  
فِي مَرَجٍ طُوراً وَ طُوراً هَمٍّ

و در محفلی خاص که اکابر اقارب و اعیان خویشان او حاضر بودند انشاء کرد ... و ایشان به سبب آنکه او را بی واسطه تعلیم و تعلم به کلام موزون شعور افتاد آن را شعر خواندند و قایل آن را شاعر نام نهادند.

و بعضی اصحاب تواریخ اولین شعر را به آدم (س) حواله کردند و ابیاتی را در مرثیه هابیل به وی نسبت داده اند.

و همچنین ابتلاء شعر پارسی را به بهرام گور نسبت می‌کنند و آنچه عجم آن را اول اشعار پارسی نهاده اند این است.

منم آن پیل دمان و منم آن شیر یله  
نام من بهرام گور و کنیتم بوجبله



و بعضي مي گویند که اول شعر فارسي ابو حفص سغدي گفته است و شعري که به وي نسبت مي-کنند.

آهوي کوهي در دشت چگونه دوزا يار ندارد بي يار چگونه رودا»

(همان : ۱۳۳ - ۱۳۷)

### ۲-۳- بیان

«قدما در تعريف فن بيان گفته اند: بيان در لغت به معني کشف و ايضاح و ظهور است و در اصطلاح، عبارتست از معرفت ايراد معني واحد به طرق مختلفه به سبب زيادتي و نقصان در وضوح دلالت عقلي بر آن . تا به واسطه وقوف بدان در ترکيب کلام جهت افهام مراد از خطا احتراز کنند» (ثروتیان ۲۳)

«بيان اسم است براي هر چيزي که بيان معنا را براي تو نمايان سازد و پرده هايي را که پيش خاطر انسان آويخته شده برگیرد. تا شنونده به حقيقت معنا برسد و به نتيجه آن رو کند؛ اکنون آن بيان با هر شکلي که باشد و آن دليل از هر جنسي که بيايد. زيرا محور کار و هدف نهايي گوینده و شنونده تنها فهمیدن و فهماندن است. بنابراین با هر چيزي که به فهماندن دست يابي را آشکار سازي اين در آن موقعيت «بيان» است.» (هاشمی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۱۵)

«بيان ايراد معنای واحد به طرق مختلف است مشروط بر اين که اختلاف آن طرق مبتني بر تخیل باشد، يعني لغات و عبارات به لحاظ تخیل نسبت به هم متفاوت باشد. مثلاً به جاي «صورت او زيباست» مي توانيم بگوئيم: چهره او مثل ماه است يا گل است. اما اگر به جاي اين عبارت اخير بگوئيم صورت او مثل ورد است بياني نيستيم زيرا گل همان ورد است و از نظر تخیل بين آنها تفاوت نيست» (شميسا، بيان، ۲۷: ۱۳۸۷ و ۲۸)

«ابواب علم بيان سنتي عبارت است از باب مجاز، تشبيه، استعاره و کنایه. در مجاز، تشبيه و استعاره قرينه لفظي وجود دارد که لفظ در معنای اصلي به کار نرفته است اما در کنایه قرينه لفظي وجود ندارد.

امروزه علاوه بر ابواب فوق مطالب ديگري هم در حوزه علم بيان قرار گرفته است:

سمبل، اسطوره کهن الگو (آرکي تايپ)، تمثيل وغيره.)) (همان : ۳۰)

### اداي معنای واحد به طرق مختلف

((ادبيات دنياي ادای يك معني به انحاي مختلف است. موضوع فقط اين نيست که مثلاً در اين معني که او زيباست بگوئيم چون ماه است. بلکه در سطحي وسيع تر مي توانيم متوجه بشويم که بسياري از آثار طراز اول ادبي بيان هاي مختلف هنري از موضوعاتي معمولي يا از قبل

معلوم هستند، مثلاً تمام داستان خسرو شیرین چیزی نیست جز عشق خسرو و شیرین به هم؛ اما این عشق با انحای مختلف هر بار شیرین تر و مخیل تر از بار پیشین در زبان شاعران به تصویر کشیده شده است به قول حافظ :

يك قصه بیش نیست غم عشق و این عجب      کز هر زبان که می شنوم نامکرر است  
اینک برای تبیین بیشتر مطلب به ذکر مثال هایی در باب ادای معنای واحد به طرق مختلف  
مخیل می پردازیم.

در بیان شب شدن

شبا هنگام کاهوی ختن گرد      ز ناف مشک خود، خور را رسن کرد  
هزار آهوبره، لب ها پراز شیر      بر این سبزه شدند آرامگاه گیر

خسرو و شیرین

کحال شب، ظلام در چشم روز کشید      مقامات حمیدی

مشک تاتار، در عذار نهار دمید      مقامات حمیدی

در بیان پیری

پر از برف شد کوهسار سیاه      همی لشکر از شاه بیند گناه      فردوسی

سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم

از این درخت همین میوه غم است برم      جامی»

(همان، ۳۰-۳۳)

«پایگاه بیان در آفرینش انسان تابدان جا است که خداوند در قرآن کریم فرموده «خلق الانسان علمه البیان» و در حدیث آمده است «ان من البیان لسحرا» و این علم و هم علم معانی همه به فصاحت و بلاغت بر می گردد و در خدمت سخندانی و گویایی است» (تجلیل ۴۳)

به هر روی آنچه به اختصار در خصوص علم بیان ارائه گردید، چکیده ای بود از مطالب ارائه شده در کتب مختلف علم بیان که با بررسی های به عمل آمده در این کتب، به این نتیجه می رسیم که همانند موضوع علم بیان، که ارائه مطلب واحد به شیوه های گوناگون است، در خصوص تعریف این علم از سوی استادان مختلف نیز صادق است چنانکه همایی در کتاب معانی و بیان، ص ۱۳۵. تجلیل در کتاب معانی و بیان، ص ۴۲، حسن عرفان در کتاب ترجمه و شرح جواهر البلاغه، صص ۶، ۷، ۸ و ثروتیان در کتاب بیان در شعر فارسی صص ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ... کزاری در کتاب زیبا شناسی سخن پارسی (بیان) ص ۳۰ تا ۳۷ و در نهایت شمیسا در کتاب بیان خود هر کدام به نحوی این علم را بیان نموده اند.

در فصل هاي آينده به تعريف زمينه هاي شكل گيري بيان از قبيل مجاز، تشبيه، استعاره و ... خواهيم پرداخت و ديوان اشعار يغماي جندقي با توجه به معيارهايي كه ارائه مي گردد، مورد بررسي قرار خواهد گرفت.

**مجاز ، تشبیه، استعاره،  
کنایه، اسطوره ،سمبل و  
اغراق**